
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۳

آیه ۵۷ - ۵۸

آیه و ترجمه

و هو الذی یرسل الریح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقلا سقنه
 لبلد میت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی لعلکم
 تذکرون ۵۷

و البلد الطیب یرخرج نباته باذن ربه و الذی خبت لا یرخرج الا نکدا کذلک نصرف
 الایات لقوم یشکرون ۵۸

ترجمه :

۵۷ - او کسی است که بادهای را پیشاپیش (باران) رحمتش میفرستد تا زمانی که
 ابرهای سنگین بار را (بر دوش خود) حمل کنند در این هنگام آنها را به سوی
 سرزمینهای مرده میفرستیم و به وسیله آن آب (حیاتبخش) نازل میکنیم و با
 آن از هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم، و اینگونه (که زمینهای
 مرده را زنده کردیم) مردگان را (نیز در قیامت) زنده میکنیم تا متذکر شوید.
 ۵۸ - و سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار میروید
 اما سرزمینهای بدطینت (و شور هزار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از
 آن نمیروید، اینگونه، آیات را برای آنها که شکر گزارند بیان میکنیم.

تفسیر :

مربی و قابلیت هر دو لازم است

در آیات گذشته اشاره‌های مکرر به مساله مبدء یعنی توحید و شناسائی

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۴

پروردگار از روی اسرار جهان آفرینش شد، و در این آیات ضمن شرح قسمتی
 از نعمتهای خدا، اشاره به مساله معاد و رستاخیز میشود، تا این دو بحث یکدیگر
 را تکمیل کنند، و این سیره قرآن است که در بسیاری از موارد مبدء و معاد را با
 هم قرین میسازد، و جالب اینکه هم برای شناسائی خدا و هم برای توجه به امر
 معاد از طریق اسرار آفرینش موجودات این عالم استدلال میکند.

نخست میگوید: او کسی است که بادها را پیشاپیش باران رحمتش همچون بشارت دهنده‌ای که از قدوم مسافر عزیزی خبر می‌دهد میفرستد (و هو الذی یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته).

بادهائی که از اقیانوسها برخاسته و ابرهای سنگین بار و پر آب را با خود حمل می‌کند (حتی اذا اقلت سحابا ثقالا).

در این موقع آنها را به سوی سرزمینهای مرده و خشک و سوزان می‌رانیم و مأموریت آبیاری این تشنگان را به عهده آنها می‌نهیم (سقناه لبلدمیت). و بوسیله آن، آب حیاتبخش را در همه جا فرو می‌فرستیم (فانزلنا به الماء). به کمک این آب انواع میوه‌ها را از خاک تیره بیرون می‌آوریم (و اخرجنابه من کل الثمرات).

آری آفتاب بر اقیانوسها می‌تابد و بخار آب را به بالا می‌فرستد، بخارها متراکم میشوند و توده‌های سنگین ابر را تشکیل میدهند، امواج باد توده‌های کوهپیکر ابر را بر دوش خود حمل میکنند و به سوی سرزمینهای که مأموریت دارند پیش می‌روند، قسمتی از این بادها که در پیشاپیش توده‌های ابر در حرکتند و آمیخته با رطوبت ملایمی هستند، نسیم دلانگیزی ایجاد میکنند که از درون آن بوی باران حیاتبخش به مشام میرسد، اینها در حقیقت مبشران نزول باران هستند سپس توده‌های عظیم ابر، دانه‌های باران را از خود بیرون می‌فرستند، نه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۵

چندان درشتند که زراعتها را بشویند و زمینها را ویران کنند، و نه چندان کوچکند که در فضا سرگردان بمانند، آرام و ملایم بر زمین می‌نشینند، و آهسته در آن نفوذ میکنند و محیط را برای رستخیز بذرها و دانه‌ها آماده‌میسازند، زمینی که در خشکی میسوخت و شباهت کامل به منظره یک‌گورستان خاموش و خشک داشت، تبدیل به کانون فعالیت از حیات و زندگی و باغهای پر گل و پر میوه میشود.

و به دنبال آن اضافه می‌کند: این چنین مردگان را از زمین بیرون می‌آوریم و لباس حیات را در اندامشان می‌پوشانیم (کذلک نخرج الموتی). این مثال را برای آن آوردیم که نمونه معاد را در این دنیا که همه سال در برابر چشم شما تکرار می‌شود به شما نشان دهیم تا متذکر گردید (لعلکم تذکرون). در آیه بعد برای اینکه گمان نشود یکنواخت بودن باران دلیل آن است که همه

سرزمینهای یکسان زنده شوند، و برای اینکه روشن گردد، استعدادها و آمادگیهای متفاوت سبب استفاده‌های مختلف از مواهب الهی می‌گردد. سرزمین شیرین و پاکیزه گیاهان پربرکت و مفید و سودمند خود را به اذن پروردگارش بیرون می‌فرستد (و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه). اما زمینهای شور و زار و خبیث و زشت، چیزی جز گیاهان ناچیز و کم‌ارزش

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۶

نمی‌رویند (و الذی خبت لا یخرج الا نکدا).
همچنین فرمان رستاخیزگر چه سبب تجدید حیات و جان گرفتن انسانها می‌گردد، ولی همه انسانها یکسان وارد محشر نمیشوند، آنها نیز همانند زمینهای شیرین و شور و زار با هم متفاوتند، تفاوتی که از اعمال و عقائد و نیاتشان سرچشمه می‌گیرد.
و در پایان آیه می‌فرماید: این چنین آیات را برای کسانی که شکر گزارند و از آن استفاده میکنند و راه هدایت را می‌پویند بیان میکنیم (کذلک نصر ف الايات لقوم یشکرون).
آیه فوق در حقیقت اشاره به یک مساله مهم است که در زندگی این جهان و جهان دیگر در همه جا تجلی میکند، و آن اینکه تنها فاعلیت فاعل برای به ثمر رسیدن یک موضوع، کافی نیست بلکه استعداد و قابلیت قابل نیز شرط است، از دانه‌های باران حیاتبخشتر و لطیف‌تر تصور نمیشود، اما همین بارانی که در لطافت طبعش کلامی نیست در یک جا سبزه و گل می‌رویاند و در جای دیگر خس و خاشاک!